



لیلا زراقی؛ بیش از دو هفته قبل، حدود ۳۰ نفر از اهالی روستای آق‌دره وسطی در تکاب، در جریان تجمعی که با مداخله نیروی انتظامی همراه شد، بازداشت و به زندان ارومیه انتقال داده شدند. این اتفاق در پی حضور دو نفر از اهالی جویبای کار در مقابل معدن سنگ تراورتن رخ داد. در روزهای اخیر خبر رسیده که حکم دادگاه برای متهمان صادر شده و برخی از آنان با اتهاماتی چون «اخلال در نظم عمومی»، «اقدام علیه امنیت داخلی کشور» و حتی «آدم‌ربایی» مواجه شده‌اند و برای آزادی ۲۶ نفر از آنها تا ۶۰۰ میلیون تومان وثیقه تعیین شده است. فارغ از اینکه اتهامات انتسابی به این افراد تا چه اندازه با آنچه در واقعیت اتفاق افتاده ارتباط دارد، سریال دنباله‌دار معادن آق‌دره، مردم روستا و کارگرانش به یک ماه اخیر محدود نمی‌شود. فقر، ازبین‌رفتن اقتصاد سنتی در پی تخریب محیط زیست، بی‌کاری و فقدان امنیت شغلی هر چندوقت یکبار، صدای اعتراض اهالی این مناطق را بلند می‌کند و این نقطه زرخیز از استان آذربایجان غربی را به یکی از آسیب‌پذیرترین مناطق این استان تبدیل کرده است. مرور روند تاریخی وقایع رخ‌داده در سال‌های گذشته و تلاش برهزینه اهالی این روستاها برای اشتغال در معادن طلا و سنگ نشان می‌دهد که برای بسیاری از این افراد که کشاورزی و دامداری را در نتیجه فعالیت معدنی از دست‌رفته می‌بینند، چاره‌ای جز کار در همان معادن باقی نمانده است.
باین حال، هربار این تلاش پرهزینه، با برخوردهایی مواجه شده و بر تعارض منافع میان معدن‌داران و اهالی این روستاها افزوده می‌شود. آنچه امروز در آق‌دره می‌گذرد، سومین فصل از سریال دنباله‌دار معدن و اهالی آق‌دره است.

فصل اول: خرداد۱۳۹۵

۱۷ کارگر معدن طلای آق‌دره تکاب ـاز اهالی آق‌دره بالاـ

که در اعتراض به بی‌کاری در مقابل این معدن تجمع صنفی برگزار کرده بودند، با شکایت کارفرما و به اتهام اغتشاش، برهم‌زدن نظم عمومی و توهین، حبس و توقیف نگهبان شرکت به جریمه نقدی و شلاق محکوم شدند. حکم شلاق برای برخی از آنان به اجرا درآمد.

حکمی که در همان زمان با اعتراضات گسترده‌ای از سوی فعالان کارگری و افکار عمومی مواجه شد و مجلس را وادار کرد تا طرح تحقیق و تفحص از معدن طلای آق‌دره را کلید بزند، نتایج این تحقیق نشان داد که برخی از اتهام‌ها مانند حبس و توقیف نگهبان با توجه به جمیع شواهد محل تردید است و تجمع صنفی صورت‌گرفته در این معدن نیز که تحت عنوان تجمع غیرقانونی خطاب شده، به دلیل اهمیت‌ندادن کارفرما و حراست معدن و نپذیرفتن کارگران و جلوگیری از ورود آنها بوده است. درصورتی‌که چنین تجمعاتی که منتج به تعطیلی کار و کاهش عمدی تولید می‌شود، در ماده ۱۴۲ قانون کار تجویز شده و کارگران بومی جهت واقع‌شدن معدن در منطقه مجاور روستا خواستار بهره‌مندی از منافع معدن در جهت تأمین و ایجاد رفاه بوده‌اند. همچنین در بخشی از این گزارش با اشاره به برخی تخلفات و روابط مسئولان معدن با مقامات استانی تأکید شده بود که شاغل‌بودن برخی از افراد در

معدن که از اقوام و نزدیکان مسئولان شهرستان تکاب بوده، نوعی حساسیت در امورات و مسائل کارگری پیش آورده که یکی از دلایل اعتراضات کارگری بوده است.

فصل دوم: خرداد۱۳۹۶

کارگران معترض این‌بار از اهالی روستای آق‌دره وسطی بودند که می‌خواستند با شروع به کار مجدد معدن به کار بازگردند اما با مخالفت شدید کارفرما روبه‌رو شدند. اصرار تجمع‌کنندگان مبنی بر تعیین تکلیف افراد جویبای کار و تلاش‌های آنان برای گرفتن پاسخ از مسئولان معدن درنهایت با برخورد نیروهای انتظامی مواجه شد.

«چندین‌بار با مسئولان معدن و نماینده تکاب حرف زدیم، اما انگار نه انگار. آخرش تصمیم گرفتیم جلوی معدن تحصن کنیم. دیگر چاره‌ای نداشتیم. گرفتیم این‌طور حداقل می‌بینند که ما هستیم. شاید یک فکری به حال ما کردند.»

اینها گفته‌های یکی از کارگران بی‌کارشده معدن طلای آق‌دره در همان روزهاست. به گفته او، تعداد زیادی از اهالی این روستا تا پیش از این به کار در معدن طلای آق‌دره مشغول بودند اما با توجه به فصلی‌بودن کار و نداشتن قراردادهای قابل اطمینان، بی‌کار شدند. این کارگران در فاصله اردیبهشت تا خرداد ۹۶، بارها در مقابل در اصلی معدن تجمع برگزار می‌کردند و خواهان بازگشت به کار شده بودند. این کارگران که همراه با همسر و فرزندانشان در این تجمع حضور داشتند،



عین‌العباس طایق‌زاده، مدیران



لیلا زراقی؛ بیش از دو هفته قبل، حدود ۳۰ نفر از اهالی روستای آق‌دره وسطی در تکاب، در جریان تجمعی که با مداخله نیروی انتظامی همراه شد، بازداشت و به زندان ارومیه انتقال داده شدند. این اتفاق در پی حضور دو نفر از اهالی جویبای کار در مقابل معدن سنگ تراورتن رخ داد. در روزهای اخیر خبر رسیده که حکم دادگاه برای متهمان صادر شده و برخی از آنان با اتهاماتی چون «اخلال در نظم عمومی»، «اقدام علیه امنیت داخلی کشور» و حتی «آدم‌ربایی» مواجه شده‌اند و برای آزادی ۲۶ نفر از آنها تا ۶۰۰ میلیون تومان وثیقه تعیین شده است. فارغ از اینکه اتهامات انتسابی به این افراد تا چه اندازه با آنچه در واقعیت اتفاق افتاده ارتباط دارد، سریال دنباله‌دار معادن آق‌دره، مردم روستا و کارگرانش به یک ماه اخیر محدود نمی‌شود. فقر، ازبین‌رفتن اقتصاد سنتی در پی تخریب محیط زیست، بی‌کاری و فقدان امنیت شغلی هر چندوقت یکبار، صدای اعتراض اهالی این مناطق را بلند می‌کند و این نقطه زرخیز از استان آذربایجان غربی را به یکی از آسیب‌پذیرترین مناطق این استان تبدیل کرده است. مرور روند تاریخی وقایع رخ‌داده در سال‌های گذشته و تلاش برهزینه اهالی این روستاها برای اشتغال در معادن طلا و سنگ نشان می‌دهد که برای بسیاری از این افراد که کشاورزی و دامداری را در نتیجه فعالیت معدنی از دست‌رفته می‌بینند، چاره‌ای جز کار در همان معادن باقی نمانده است.
باین حال، هربار این تلاش پرهزینه، با برخوردهایی مواجه شده و بر تعارض منافع میان معدن‌داران و اهالی این روستاها افزوده می‌شود. آنچه امروز در آق‌دره می‌گذرد، سومین فصل از سریال دنباله‌دار معدن و اهالی آق‌دره است.

می‌گفتند که چرا با وجود ازبین‌رفتن زمین‌ها و دام‌هایمان در پی فعالیت معدنی، کسی به فکر اهالی بی‌کار این منطقه نیست و کماکان معدن به جذب نیروهای غیربومی ادامه می‌دهد، درحالی‌که ساکنان این روستاها مجبورند برای کار و امرار معاش راهی شهرهای دیگر شوند.

فصل سوم: مرداد۱۴۰۲

دو جوان بیست‌وچندساله از اهالی آق‌دره وسطی که گفته شده به‌تازگی از سربازی برگشته بودند، با درخواست کار به معدن سنگ تراورتن که به‌تازگی در چندقدمی معدن طلا احداث‌شده، مراجعه کردند. حضور آنها در مقابل معدن و اصرار آنها برای تعیین تکلیف، با ورود نیروی انتظامی و تجمع تعدادی از اهالی روستا همراه شد؛ تجمعی که در ادامه منجر به درگیری میان اهالی و مأموران انتظامی شد. در جریان درگیری، دو نفر از اهالی روستا که از کارگران معدن نیز هستند، زخمی شدند و برای درمان به بیمارستان‌های ارومیه و زنجان اعزام شدند. پس از آن و در جریان درگیری‌هایی که برای ساعاتی در اطراف روستا میان مأموران و برخی از اهالی ادامه داشت، فضای منطقه متشنج شد. باوجوداین برخی از مقامات منطقه و روحانیون اهل سنت تلاش کردند آرامش را بر منطقه حاکم کنند؛ اما در نیمه‌شب نهم مرداد و درحالی‌که به نظر می‌رسد درگیری خاتمه یافته است، تعدادی از اهالی با به قولی «خاطیان در تجمع مقابل معدن» را بازداشت کردند.

حقوق دانان کشور است.

حقوق دانان کشور است.

بی‌شک با نهایین شدن تصویب این مقررات در دل یک قانون موقتی پنج‌ساله، کانون‌های وکلای کشور با سابقه‌ای درخشان در نظام حقوقی کشور، به زانو درخواهند آمد و در نتیجه باید با قدیمی‌ترین نهاد مستقل مدنی کشور برای همیشه وداع گفت.

بی‌تردید نتیجه محتوم تصویب چنین مقرراتی، کاهش سطح اعتبار دستگاه قضائی و شناسایی نکردن آرای صادره از مراجع قضائی ایران در دادگاه‌های خارجی برای اجرا، مخدوش‌شدن اتقان آرای قضائی، ازبین‌رفتن یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و سقوط چندپله‌ای جایگاه ایران در رنکینگ (رتبه‌بندی) آنگتاد (سازمان تجارت و توسعه سازمان ملل) و تعارض آن با مقررات و اسناد بین‌المللی و سازمان‌های مرتبطه تعلیق عضویت کانون‌های وکلای کشور در اتحادیه بین‌المللی کانون‌های وکلا خواهد بود. از بعد داخلی نیز این مقررات حق دفاع شهروندان را با چاشنی اساسی مواجه کرده و امنیت شغلی وکلای دادگستری را به‌طور کلی مضمحل می‌کند و وکلای دادگستری را در مقام دفاع از موکلان با ارعابی پیش‌دستانه از طریق تهدید به ابطال پروانه از طریق درگاه صدور مجوزهای کسب‌وکار به وکلایی فاقد جسارت و شجاعت در دفاع تبدیل خواهد کرد و مشکلات ریز و درشت متعددی را برای نظام حقوقی کشور به ارمغان خواهد آورد. تصویب نهایی این مقررات منتهی به از بین رفتن نظم موجود در نظام حقوقی کشور در عرصه دفاع شده و به لحاظ استاندارددنبودن این مقررات و فقدان پشتوانه‌های حقوقی و اصول شناخته‌شده حرفه‌ای در حوزه وکالت، توانایی جایگزینی نظامی جدید در این عرصه را نخواهند داشت.

در این مقطع که مجلس، بارها درحال وضع قوانین وکالت‌ستیز برای ساقط‌کردن قدیمی‌ترین نهاد مستقل مدنی کشور است، نقش قوه قضائیه برای پاسداری از حقوق عامه در اجرای اصل ۱۵۶ قانون اساسی از طریق تحذیر مجلس درباره تصویب مقرراتی از این دست که به حق دفاع شهروندان به‌عنوان یکی از حقوق اساسی ایشان آسیب جدی وارد خواهد کرد، بسیار درخور توجه است.

بی‌تردید آثار سوء تصویب چنین مقرراتی مستقیما دامان قوه قضائیه را در آینده‌ای نزدیک خواهد گرفت و بسیاری از شهروندان را در آینده‌ای نه‌چندان دور با معضلات ناشی از اضمحلال نظم حقوقی موجود در عرصه وکالت کشور مواجه خواهد کرد و مانند آثار تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در اوایل دهه ۷۰ که به قوه قضائیه آسیب زد که سال‌ها بازسازی آن طول کشید؛ آثار سوء وضع چنین مقرراتی نیز دیری نخواهد پاید که دادگستری را به همان حال و روز دچار کرده و وضعیتی بحرانی را برای نظام قضائی کشور رقم خواهد زد.

برگزار می‌شود، از فرایند صدور پروانه وکالت حذف شده؛ تا افراد فاقد صلاحیت علمی بیشتری وارد عرصه وکالت کشور شوند. در ادامه همین تبصره برای متمیم استقلال‌زدایی از کانون وکلا، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف شده با همکاری وزارت دادگستری و قوه قضائیه تا حداکثر سه ماه پس از لازم‌الاجراءشدن این قانون، آیین‌نامه نظارت پسین بر عملکرد وکلای دادگستری را تدوین و به تصویب هیئت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار برساند!!

این مقررات درحالی مسیر تصویب را به‌سرعت در مجلس یازدهم می‌پیماید که هیچ پشتوانه مطالعاتی و تحقیقاتی درباره آنها وجود ندارد و هیچ استمزاجی در این زمینه از قوه قضائیه و جامعه حقوقی کشور و ذوالحقوق آن برای وضع چنین مقرراتی صورت نگرفته است؛ و در این راستا نه‌تنها هیچ آسیب‌شناسی و دوراندیشی درستی انجام نشده بلکه مجلس، با چشم‌پوشی از سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ابلاغی مقام معظم رهبری و کنارگذاشتن آن به‌صورت تک‌بعدی، کام در مسیر نابودی و اضمحلال کانون‌های وکلای دادگستری کشور گذاشته است و به‌صورتی کاملا ناموجه به دنبال تحمیل منویات برخی ذی‌مدخلان به جامعه حقوقی بزرگ کشور با دهن‌کجی به نظرات دلسوزانه و مشفقانه بزرگ‌ترین

مبتلابه کشور نیست، به همین‌جا ختم نشد؛ این‌بار و پس از آنکه با داده‌ها و پیش‌فرض و آدرس‌های غلط، موفق به تجویز استفاده شرکت‌های خصوصی از نماینده حقوقی به‌جای وکیل دادگستری در قالب یک مقرره قانونی شد، در دل لایحه قانونی موقتی دیگری و در قالب تغییر متن پیشنهادهای دولت به‌عنوان پیش‌نویس قانون برنامه پنج‌ساله هفتم، سلب صلاحیت از کانون‌های وکلا برای صدور، تمدید، تعلیق و ابطال پروانه وکالت را در دستور کار قرار داد تا در صورت تصویب نهاییی این موضوع در مجلس، همه امور فوق که به موجب قانون لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری در صلاحیت ذاتی کانون‌های وکلای کشور و دادگاه‌های انتظامی آن قرار دارند، از طریق درگاه ملی مجوزهای کسب‌وکار وزارت اقتصاد و داریی صورت گیرد و کانون وکلا را در یک اقدام قهقرایی به یکی از زیرمجموعه‌های دولت در وزارت اقتصاد و دارایی تبدیل کرده و با ازبین‌بردن استقلال آن، وضعیتی به‌مراتب اسفناک‌تر از شرایط ۷۰ سال قبل را بر آن حاکم کند.

در تبصره ماده ۴ این‌ لایحه که کلیات آن به تصویب کمسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی نیز رسیده است، حتی آزمون کتبی و شفاهی اختار که برای استنجش میزان خبرگی و تسلط کارآموزان وکالت به نحوه عملی دفاع و طرح دعوی



عین‌العباس طایق‌زاده، مدیران

کانون وکلا و نگرانی از استقلال قدیمی ترین نهاد مدنی کشور



سیدمهدی حجتی

وکیل دادگستری

بی‌شک کانون وکلای دادگستری با سابقه‌ای نزدیک به یک قرن حیات و استقلالی ۷۰ساله از دستگاه حاکمیت، قدیمی‌ترین نهاد مدنی کشور محسوب می‌شود که موجودیت و اعتبار آن باعث اعتبار دستگاه قضائی و موقعیت ممتاز کشور در عرصه‌های حقوقی بین‌المللی شده و استقلال آن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، نقش انکارناپذیری در تأمین امنیت قضائی سرمایه‌گذاران خارجی دارد.

وجود کانون‌های وکلا و استقلال آن از دولت و دستگاه‌های حاکمیتی، امروزه یکی از بدیهی‌ترین موضوعات در عرصه جهانی است و دولت‌ها تلاش می‌کنند با حفاظت از نهاد مستقل وکالت در کشور خویش، جایگاه آن را ارتقا بخشیده و از دخالت در امور داخلی و وظایف ذاتی این نهاد اجتناب کنند تا اعتبار قوه قضائیه و آرای صادره از دستگاه قضائی خویش را افزایش داده و از این طریق حقوق دفاعی شهروندان خویش را نیز به نحو احسن تضمین کنند.

استاند متعدد بین‌المللی نیز بر ضرورت استقلال کانون‌های وکلا و جلوگیری از دخالت دولت در امور داخلی و وظایف ذاتی آنها تصریح دارد و یکی از مؤلفه‌های اصلی عضویت کانون‌های وکلا در اتحادیه بین‌المللی کانون‌های وکلای دادگستری (IBA) غیردولتی‌بودن و مستقل‌بودن آنهاست و چنانچه گزارش‌های گزارشگر ویژه سازمان ملل که بخش مربوط به آن از سال ۱۹۹۴ از طریق کمیسیون حقوق بشر این سازمان در سازمان ملل متحد به وجود آمد، مثبت و مؤید سلب این وصف از امور داخلی و وظایف ذاتی این نهاد است؛ عضویت آن کانون در این نهاد بین‌المللی معلق و مزایای عضویت در آن اتحادیه، از کشور متبوع آن کانون، سلب خواهد شد و آثار سوء دیگری نیز برای کشور ذی‌ربط در پی خواهد داشت.

درحال حاضر و درحالی‌که در کشورهای پیشرفته دنیا، وجود کانون وکلا و استقلال آن به‌عنوان یک اصل مورد اعتراف دولت‌ها قرار داشته و قوانین حمایتی متعددی برای حفاظت از این نهاد مستقل مدنی که نقش انکارناپذیری در تضمین